



چندیگره
 (شاندیگار) در هند
 نمونه کلاسیکی از
 یک شهر مدرن «از
 پیش برنامه‌ریزی شده»
 است. در هر کجا زمانی
 که اشکال مرسوم
 برنامه‌ریزی کارایی
 خود را از دست
 می‌دهند، اشکال مردمی
 شهرسازی رخ
 می‌نمایند. ساکنان
 خواستار مشارکت در
 پروژه‌های نوسازی
 می‌شوند و در برخی
 شهرهای کشورهای در
 حال توسعه به سازمان
 دادن جوامع زاغه‌نشین
 بر می‌خیزند (صفحه ۳۷
 را ببینید).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روایای یک شهرساز

چندیگره

نوشته روزه اوژامه

روزه اوژامه

فرانسوی، همکار سابق لوکوربوزیه در ۱۹۲۸ پیش از آنکه به عنوان کارشناس بخش مسکن، ساختمان و برنامه‌ریزی سازمان ملل متحد به این سازمان بپیوندد، پرووی پروژه ساختمان دهرخانه جامعه ملل در نیویورک کار کرد. وی سپس به عنوان کارشناس ساختمانهای آرزومند، به کار با بونگرو پرداخت.

در نوامبر ۱۹۵۰ حکومت دولت جدید هندی پنجاب هیشی را به اروپا فرستاد تا گروهی از معماران و شهرسازان برجسته را که قادر به طراحی یک پایتخت هستند برگزیند. در نتیجه کار هیشی، معمار فرانسوی سوسیس تیار، شارل ادوار ژانسه که به نام لوکوربوزیه معروف است مأمور شد تا طرح جامعی برای پایتخت پنجاب تهیه کرده و ساختمانهای رسمی آن را نیز طراحی کند. زمینی که برای ساختمان شهر در نظر گرفته شده بود، زمینی مسطح به مساحت بیش از ۵۰۰ هکتار بود (نیمی از سطح پاریس مرکزی). این زمین از شمال به وسیله دامنه‌های هیمالیا و از

پیامبر مکانیزاسیون

لوکورپوزه که به پیامبر مکانیزاسیون معروف است، آندیشته خود را در مورد برنامه‌ریزی شهر جدید در یک منطقه تاریخی که هزاران سال مسکونی بوده و مردم در آنجا هنوز با ال‌اچ و شتر سفر کرده یا در گاری‌هایی که به وسیله اسب یا گاو کشیده می‌شدند رفت و آمد می‌کردند، به کار برده. او یک شبکه بزرگراه شهری پیشنهاد کرد که در برخی نقاط به یک شبکه دوم رفت و آمد و سابل نقلیه موتوری که سرعت حرکت در آن آهسته‌تر بسود متصل می‌شد. مقامات پنجاب روش لوکورپوزه را پذیرفتند. هر چند پیشنهاد او در زمانی که ترانینگ اتومبیل هنوز عملاً وجود خارجی نداشت، مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجهی بود. پایتخت یک دولت در حال توسعه به شبکه‌ای از جاده‌ها نیاز داشت که برای توسعه و رشد چشمگیر کشور را داشته باشد. چندبگیره (شاندیگار) از عهده مقابله با این مشکل برمی‌آمد، زیرا شبکه جاده‌ای که برای آن برنامه‌ریزی شده بود رفت و آمد روان و سریع و سبب نقلیه را تأمین می‌کرد.

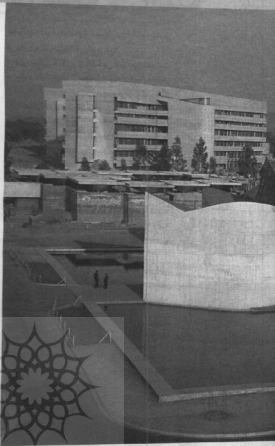
لوکورپوزه برای تعیین هویت چندبگیره، تمامی ساختمان‌های دولتی را در یک ناحیه وسیع به نام کاپیتول، در بلندترین نقطه شهر و در چشم‌انداز باشکوهی از هیمالا یا گرد هم جمع کرد. او میان ۱۹۵۱ و ۱۹۶۳ بیشتر این بناها را (دیوان عالی، دبیرخانه و مجلس قانون‌گذاری) که امروزه به عنوان شالوده کار او به عنوان یک معمار در نظر گرفته می‌شوند، طراحی کرد و ساخت شهر در پای کاپیتول میان دو رودخانه شیب ملایمی پیدا می‌کند که طرح آن به وسیله شبکه‌های ساده و منطقی از جاده‌های شریانی که یکدیگر را با زاویه قائمه قطع می‌کنند (نظیر خیابان‌های نیویورک) مشخص می‌شود.

اما شباهت‌های میان چندبگیره و نیویورک در همین جا خاتمه می‌یابد. به جای بافت پرتراکم بلوک‌های مسکونی نیویورک، چندبگیره از واحدهای مساباگی تشکیل شده است که در آنها واحدهای مسکونی بیش از پنج طبقه نبوده و سه همان تعداد نواحی مسکونی، فضاهای سبز وجود دارد. در اینجا همچنین شبکه جاده‌ای گسترده‌تری که به گره‌بندی‌هایی با ظریف‌ها و محدودیت‌های سرعت متفاوت تقسیم می‌شود، وجود دارد. هیچ یک از جاده‌های شریانی عمده مستقیماً به نواحی مسکونی وصل نمی‌شوند.

واحدهای مساباگی که هر یک مطابق با محله‌شان برای منظور خاصی طراحی شده‌اند، عمدتاً مسکونی‌اند و تراکم‌های جمعیتی در آنها از ۸۰ تا ۲۸۰ نفر در هکتار متفاوت است. دهکده‌هایی که در متن شهر قرار دارند از مراکز خرید، مدارس و مراکز بهداشتی متعلق به خود برخوردارند. یک خیابان شرقی -

شرق و جنوب به وسیله بسترهای دو رودخانه شوخا و پاتالی که بر اثر بارهای موسمی طغیان می‌کنند محصور می‌شد. نور بارش از سیزه‌زار از شمال به جنوب از میان حوضچه‌های گل‌بسته، زمین شیب ملایمی به طرف جنوب داشت و از طرف جنوب به آب‌وهوای درختان آینه که در حکم مرز طبیعی شهر بودند، و سه دهکده چندی که شهر نام خود را از آن گرفته است، منتهی می‌شد. شهر جدید می‌بایست مقر حکومت و پارلمان پنجاب و نیز یک مرکز دانشگاهی باشد. در تخمین فاز ساختمان، می‌بایست ساختمان‌های رسمی، واحدهای مسکونی و تسهیلاتی برای ۱۵۰،۰۰۰ نفر (از جمله ۱۰،۰۰۰ کارمند دولت و خانواده‌هایشان) ساخته شوند. علاوه بر بخش خدمات، یک ناحیه توسعه صنعتی به همراه تسهیلات جاده و خط آهن به وجود می‌آمد. طی دومین فاز جمعیت می‌بایست به ۵۰۰،۰۰۰ تن افزایش می‌یافت.

نثار سخترانی دانشگاه چندبگیره (هند).



غریب اریه، یک خیابان خرید با سرعت ترافیکی محدود به این نواحی سرویس می‌دهند. این خیابان احساسی از پیوستگی و هم‌ملکی میان همسایگیهای مختلف پدید می‌آورد. عبور پیاده از هریک از این خیابانها به کمتر از یک ربع ساعت نیاز دارد.

لوکورویزه علاوه بر طرح اصلی یک طرح درختکاری تهیه کرد که برای ایجاد خرد اقلیمهایی به وسزه و درحوزههایی که بی‌حفاظ اند طراحی شده بود تا مانع از آن شود که نور چراغ اتوموبیلها در خیابانهای اصلی چشم رانندگان را خیره کند و پناهایی برای پارک اتوموبیلها، گذرگاه دوچرخه و معابر پیاده و نیز حفاظهای بادگیر فراهم آورد.

لوکورویزه و گروهش نسو خامی استند اخلاقیات و زیبایی شناسی غربی را به مردم هندی تحمیل کنند. اما از طریق ساختمانهایی که به شکلی عقلایی طراحی شده بودند کوشیدند تا بهترین شرایط آسایش را فراهم آورده و به آرمانهای سردمی که در یک دوران دگرگونیهای سریع زندگی می‌کنند پاسخ دهد.

چندگیره امروز

چندگیره امروز یک ربع قرن پس از درگذشت لوکورویزه به چه چیز شباهت دارد؟

شهر رشدی آهسته، ولی نه کاملاً بی‌مانع داشته است. درست از همان آغاز آنتکار بود که تقاضا برای آب به وسزه طسی فصل خشک بسی از ذخایر موجود فراتر خواهد رفت و در نتیجه یک سد عظیم به طول ۴ کیلومتر بر روی سوختا زده شد تا بارانهای موسمی را ذخیره کند و آب لازم برای آبیاری ساغهای محصولات خود را به بازار عرضه می‌کردند و در دوران محدود شهر واقع بودند فراهم سازد. این ذخیره آبی که اکنون دریاچه سوختا نامیده می‌شود، همچنین به مرکز یک پارک و مجتمعی برای گذران اوقات فراغت تبدیل شده است.

ساختمان مناطق مسکونی، دفاتر و اماکن تجاری به عنوان بخشی از نشین فاز آهسته و پراکنده بوده است. گروههای پراکنده و مجزایی از ساختمانها در یک نوع زمین غیرمسکون و فاقد تسهیلات اجتماعی فرار گرفته بودند. تعداد بساطهای سیار فروش در تقاطع جاده‌ها به سرعت افزایش یافتند، تا اینکه به

تدریج با احداث مراکز خرید همان گونه که لوکورویزه طراحی کرده بود، از میدان خارج شدند.

چندگیره امروز به سرعت تغییر می‌کند. در نتیجه توسعه نواحی مرزی پایتخت دولت جدید هارساتا، که به وسیله ایالت پنجاب ایجاد شده است، جمعیت منظمه شهری ایجاد شده در کل اکنون به یک میلیون نفر بالغ می‌شود.

شهر همچنین به یک مرکز دانشگاهی عمده تبدیل شده است که شمار زیادی دانشجو از منطقه و کشورهای همسایه جذب می‌کند. چندگیره در ۱۹۷۶ میزان اسپوروزومی از طرف پونسکو درباره مسائل شهری و آموزش برنامه‌ریزی شهری بود. ساکنان چندگیره آن را یک شهر منظم می‌دانند که شباهتی به حومه شرقی ندارد که هرج و مرج گونه به صورت تعداد زیادی زاغه‌نشین در نواحی غیر بهداشتی و در معرض صنایع آلوده کننده و ساقط تسهیلات توسعه می‌یابد.

سی سال پس از پیمان‌گذاری چندگیره، هنوز جریان ترافیک اتومبیل به سهولت از شهر می‌گذرد. تعداد وسایل نقلیه به کندی زیاد می‌شود و بیشترین رفت و آمد با دوچرخه است. متأسفانه افزایش وسایل نقلیه موتور نظیر موتورسیکلت و بالاتر از همه درشکهای موتوری به تدریج آرامش روستایی چندگیره را به غرش کرکنده تبدیل می‌کنند.

بخشی که زندگی از همه آهسته‌تر در آن دیده شده، مرکز شهر بود. این ناحیه که برای استقرار ارگانهای رسمی و نهادهای فرهنگی و تجاری برنامه‌ریزی شده بود، به‌رزمانی به صورت یک مجموعه ساختمانسی بساطی مساند با کنایش فروشگاهها و سینماهای بزرگ که هندیهای جوان بدانها بسیار علاقه دارند، ضریبان نقش شهر شور و شدت بیشتری یافت.

دومین فاز احداث چندگیره در حال انجام است و توسعه کاپتول مطابق با طرحهای لوکورویزه، با ساختمان یک چاه اندیشه، «برج ساپانه‌ها» و «انسانکهای سنتی در مسابیل مجلس قانون‌گذاری» و احداث یامدان «دست گشوده»، نهادی که نزد لوکورویزه بسیار عزیز بود و در ۱۹۸۷ در یکمجلس سال تولد از افتتاح شد. ایامه یافته است.

ترجمه محمد تقی‌زاده



غربی اریبه، یک خیابان خرید با سرعت ترافیکی محدود به این نواحی سرسبز می‌دهند. این خیابان احساسی از پیوستگی و هم‌محلی میان همسایگهای مختلف پدید می‌آورد. عبور پیاده از هر یک از این خیابانها به کستر از یک ربع ساعت نیاز دارد. لوکورویزه علاوه بر طرح اصلی یک طرح دوختکاری تهیه کرد که برای ایجاد فرد اقلیمایی به ویژه درحوزه‌هایی که بی‌حفاظ‌اند طراحی شده بود تا ساعت از آن شود که نور چراغ اتوموبیلها در خیابانهای اصلی چشم رانندگان را خیره کند و پناههایی برای پارک اتوموبیلها، گذرگاه دوچرخه و معابر پیاده و نیز حفاظهای بادگیر فراهم آورد.

لوکورویزه و گروهش نمی‌خواستند اخلاقیات و زیبایی - شناسی غربی را به مردم هندی تسخیل کنند، اما از طریق ساختمانهایی که به شکلی عقلایی طراحی شده بودند کوشیدند تا بهترین شرایط آسایش را فراهم آورده و به آرمانهای مردمی که در یک دوران دگرگون‌بهای سریع زندگی می‌کنند پاسخ دهد.

چندیگره امروز

چندیگره، امروز یک ربع قرن پس از درگذشت لوکورویزه به چه چیز شباهت دارد؟

شهر رشدی آهسته، ولی نه کاملاً بی‌ممانع داشته است. درست از همان آغاز آشکار بود که تقاضای آب رای به ویژه طی فصل خشک پس از ذخایر موجود فراتر خواهد رفت و در نتیجه یک سد عظیم به طول ۴ کیلومتر بر روی سوختا زده شد تا بارانهای موسمی را ذخیره کند و آب لازم برای آبیاری باغهایی که محصولات خود را به بازار عرضه می‌کردند و در درون محدوده شهر واقع بودند فراهم سازد. این ذخیره‌آبی که اکنون دریاچه سوختا نامیده می‌شود، همچنین به مرکز یک پارک و مجتمعی برای گذران اوقات فراغت تبدیل شده است.

ساختمان مناطق مسکونی، دفاتر و اماکن تجاری به عنوان بخشی از نخستین فاز آهسته و پراکنده بوده است. گروههای پراکنده و مجزایی از ساختمانها در یک نوع زمین غیر مسکون و فاقد تسهیلات اجتماعی فرار گرفته بودند. تعداد بساطهای سیار فروش در تقاطع جاده‌ها به سرعت افزایش یافتند، تا اینکه به

تدریج با احداث مراکز خرید همان گونه که لوکورویزه طراحی کرده بود، از میدان خارج شدند.

چندیگره امروز به سرعت تغییر می‌کند. در نتیجه توسعه نواحی مرزی پایتخت دولت جدید هاریانا، که به وسیله ایالت پنجاب ایجاد شده است، جمعیت منظمه شهری ایجاد شده در کل اکنون به یک میلیون نفر بالغ می‌شود.

شهر همچنین به یک مرکز دانشگاهی عمده تبدیل شده است که شمار زیادی دانشجو از منطقه و کشورهای همسایه جذب می‌کند. چندیگره در ۱۹۷۶ میلان سمپوزیومی از طرف یونسکو درباره مسائل شهری و آموزش برنامه‌ریزی شهری بود. ساکنان چندیگره آن را یک شهر منظم می‌دانند که شباهتی به حومه شرقی ندارد که هرچ که در صورت تعدد زیادی زاغه‌نشین نواحی غیر بهداشتی و در معرض صنایع آلوده کشته و فساد تسهیلات توسعه می‌یابد.

سی سال پس از بنیان‌گذاری چندیگره، هنوز جریان ترافیک اتومبیل به سهولت از شهر می‌گذرد. تعداد وسایل نقلیه به کندی زیاد می‌شود و بیشترین رفت و آمد با دوچرخه است. مستأفانه افزایش وسایل نقلیه موتوری نظیر موتورسیکلت و بالاتر از همه درشکه‌های موتوری به تدریج آرامش روستایی چندیگره را به غرش کرکننده تبدیل می‌کند.

بخشی که زندگی از همه آهسته‌تر در آن دیده شد، مرکز شهر بود. این ناحیه که برای استقرار ارگانه‌های رسمی و نهادهای فرهنگی و تجاری برنامه‌ریزی شده بود، دیرزمانی به صورت یک مجموعه ساختمانی بساتی ماند. با گشایش فروشگاهها و سینماهای بزرگ که هندیهای جوان بدانها بسیار علاقه دارند، ضربان نفس شهر شور و شدت بیشتری یافت.

دومین فاز اشعات چندیگره، در حال انجام است و توسعه گایتول مطابق با طرحهای لوکورویزه، با ساختمان یک چهارم آهسته، به‌رح سایه‌ها و دهانگهای سنتی در مقابل مجلس قانون‌گذاری و احداث پامنار نصب گشوده، نمادی که نزد لوکورویزه بسیار عزیز بود و در ۱۹۸۷ در یکصدمین سال تولد او افتتاح شد، ادامه یافته است.

ترجمه محمد تقی‌زاده



پیشین طرح چندیگره از لوکورویزه